

سوگند علی

زهره احمدی

حضرت علی (ع) در طول عمر مبارکشان، چند بار بحث غدیر خم را مطرح نمودند؟! اشاره:

هر جای قرآن کریم که سخن از تعیین امام و سرپرست برای امت هاست، خداوند این انتصاب را به خود نسبت می‌دهد؛ یعنی هیچ کس غیر از خداوند حق چنین انتخابی را ندارد؛ امت هم که بی امام نمی‌شود.

به گواه تاریخ، پیامبر (ص) از اولین جلسات ابلاغ رسالت تا آخرین لحظات عمر مبارکشان مساله خلافت و جانشینی حضرت علی (ع) را به امر الهی، به روشنی مطرح کرده بودند.

تا این که در روز ۱۸ ذی الحجه سال دهم، در واقعه «غدیر خم» جای هیچ بهانه‌ای را برای احدی در مساله امامت و خلافت باقی نگذاشت و حجت را بر همه مسلمانان تمام کرد؛ چه آن‌ها که هلاک می‌شوند، چه آن‌ها که هدایت یافته و زنده خواهند بود.

«حدیث غدیر» پیام روشن الهی برای تعیین جانشین رسول الله (ص) است و جایگاه ویژه‌ای در میان یادگاری‌های نبوی دارد که به همین دلیل امیرالمومنین (ع) بارها به استناد این سخن پیامبر به دفاع از حق خود و رویارویی آشکار با مخالفانش پرداخت.

پس از رحلت پیامبر اسلام، استدلال به «حدیث غدیر» و یادآوری آن با طلب سوگند (متا شده) بسیار اتفاق افتاده است. نخستین سوگندخواهی بعد از رحلت پیامبر (ص) توسط حضرت علی (ع) در مسجد نبی (ص) به وقوع پیوست. از آن پس، از این دست طلب سوگندها بسیار اتفاق افتاد که در این مطلب تنها به چند نمونه از آن‌ها، به صورت مختصر اشاره می‌شود.

حضرت زهر اسلام الله علیها:

فَإِجْعَلِ اللَّهُ لِأَحَدٍ عَدُوًّا

مِنْ حُجَّةٍ مُّؤَلَّاهٍ

سوگندخواهی در ایام بیعت ستانی

نخستین سوگندخواهی، پس از رحلت پیامبر ﷺ صورت گرفت. «ابوالفضل شیبانی» با اسناد خود از راویان موثق، ماجرای رحلت پیامبر اسلام ﷺ و سقیفه بنی ساعده را در روایتی بلند شرح می‌دهد. او می‌گوید: «برای بیعت گرفتن نزد علی بن ابیطالب ﷺ رفتند و با احتجاج‌های امیرالمومنین ﷺ متوقف شدند. حضرت پس از بیان دلایل خود مبنی بر عدم بیعت، می‌فرماید: ای مردم! آیا سزاوار بود که من پیکر رسول خدا ﷺ را بر زمین گذاشته و بدون توجه به تجهیز و کفن و دفن ایشان می‌آدمم و بر سر خلافت منازعه می‌کردم؟!»

به خدا قسم که فکر نمی‌کردم کسی ادعای خلافت کند و در این مساله با ما اهل بیت منازعه کند، زیرا رسول خدا در روز غدیر برای هیچ کس جای حرفی باقی نگذاشت. پس شما را قسم می‌دهم به خدا که هر کس در غدیر حضور داشته و این فرمایش پیامبر ﷺ: من کنت مولاه فهذا علی مولاه... را شنیده است، از جایش برخاسته و شهادت دهد. زید بن ارقم گوید: «از میان آنان دوازده نفر از بدریون برخاسته و گواهی دادند...».



هفتمین روز پس از رحلت پیامبر ﷺ

امیرالمومنین ﷺ هفت روز پس از رحلت رسول خدا ﷺ ضمن ایراد خطابه‌ای برای مردم مدینه، فرمودند: «هنگامی که برخی، خودشان را موالی و نزدیکان پیامبر ﷺ خواندند، آن حضرت برای آخرین بار به مکه رفت و پس از پایان مناسک حج به هنگام بازگشت در منطقه غدیر خم فرود آمد و منبری برای حضرت آماده شد. ایشان بر بالای منبر رفت و بازوی مرا گرفت، بلند کرد و به همگان نشان داد، چنانچه سفیدی زیر بغل‌های پیامبر ﷺ هویدا شد. آنگاه با صدای بلند در حضور همه چنین فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه...»

این‌گونه شد که پذیرش ولایت من با قبول ولایت خدا پیوند خورد و مخالفت با من به دشمنی با خدا تبدیل شد. در این هنگام خدای متعال آیه اکمال دین را بر پیامبر نازل فرمود: (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا؛ امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین [جاودان] شما پذیرفتم).

بدین ترتیب ولایت من، مایه کمال دین و جلب خشنودی خدای والا شد.»



سوگند خواهی در روز شوری

«عامر بن واثله» نقل کرده است: «من در روز شوری دربان بودم و علی ﷺ در شوری بود. شنیدم که علی ﷺ به حاضرین می‌فرمود: من بر شما احتجاج و استدلال خواهم نمود به چیزی که عرب و عجم نتواند آن را دگرگون سازد. شما را به خدا سوگند، در میان شما کسی هست که پیش از من به وحدانیت خدا ایمان آورده باشد؟ همه گفتند: نه.

فرمود: شما را به خدا سوگند، در میان شما کسی هست که برادری مانند جعفر طیار داشته باشد که در بهشت، با فرشتگان هم پرواز است؟ گفتند: نه. فرمود: شما را به خدا سوگند، در میان شما کسی هست که عمویی مانند عموی من؛ حمزه داشته باشد که شیر خدا و رسول خدا و سرور شهیدان است؟ گفتند: نه.

فرمود: شما را به خدا سوگند، در میان شما کسی هست که همسری چون همسر فاطمه؛ دختر محمد ﷺ داشته باشد که بانوی زنان بهشت است؟ گفتند: نه. فرمود: شما را به خدا سوگند، در میان شما کسی هست که دو فرزند مانند دو فرزندم حسن و حسین داشته باشد که آقا و سرور جوانان بهشت‌اند؟ گفتند: نه. فرمود: شما را به خدا سوگند، در میان شما کسی هست که چندین مرتبه با رسول خدا ﷺ نجوی کرده و پیش از نجوی صدقه داده باشد؟ گفتند: نه. فرمود: شما را به خدا سوگند، در میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ درباره او فرموده باشد: من کنت مولاه فهذا علی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، وانصر من نصره، لیبلغ الشاهد الغائب؟ و باز هم همه گفتند: نه.»



سوگندخواهی در روز رجب

این سوگندخواهی در سال سی و پنجم قمری و در کوفه اتفاق افتاده است. زمانی که عده‌ای در امر ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) و آنچه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره ایشان فرموده، اختلاف داشتند و این موضوع را با تردید و انکار نقل می‌کردند. آن حضرت در میدان کوفه حاضر شد و در میان مردم به منظور دفاع از حق و ردّ شبهات به استدلال و قسم پرداخت. علی (علیه السلام) مردم را به خدا سوگند داد که هر کس کلام رسول الله (صلی الله علیه و آله) در روز غدیر را شنیده که فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه...» گواهی بدهد. عده‌ای به این مساله شهادت داده و عده‌ای علیرغم آگاهی از شهادت دادن خودداری کردند.

سوگندخواهی روز رجب به اهمیت زیادی دارد و در کتاب‌های معتبر تاریخی بسیاری آمده است.

«برهان الدین حلبی» در کتاب خود می‌نویسد: «علی (علیه السلام) به پا خاست و پس از حمد و ثنای خدا فرمود: به خدا قسم می‌دهم تنها کسانی که در روز غدیر خم با دو گوش خود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیده و قلب آن‌ها را درک نموده، بلند شوند. در نتیجه هفده نفر به پا خاستند.»

در این جریان توجه به چند نکته ضروری است؛ نخست آن که این سوگند چه از لحاظ زمانی و چه مکانی با غدیر فاصله بسیاری دارد. از سویی در زمانی صورت پذیرفته که با تاریخ وقوع غدیر، بیش از بیست و پنج سال فاصله داشته است. چنان که در خلال این مدت بسیاری از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) که در غدیر حضور داشته اند، وفات یافته یا در جنگ‌ها به شهادت رسیده و یا در شهرهای مختلف پراکنده شده‌اند. از سوی دیگر نیز محل این سوگندخواهی کوفه است که با مدینه یعنی مرکز تجمع اصحاب، فاصله زیادی داشت. دوم؛ این سوگندخواهی به طور کاملاً اتفاقی و بدون اعلام قبلی و برنامه‌ریزی مطرح می‌شود. مسلم است که اگر اعلام قبلی برای چنین سوگندخواهی وجود داشت، علاقمندان و شاهدان غدیر راهی کوفه می‌شدند تا گواهان بیشماری برای سوگندخواهی حضرت گرد هم بیایند.

سوم؛ در بین حاضران کسانی بودند که از روی نادانی یا کینه‌توزی و یا به هر دلیل دیگری، ادای شهادت خودداری کرده و حقیقت را کتمان کردند. مانند «زید بن ارقم» که در زمان عثمان و در حدیث فوق در مسجد به حدیث غدیر شهادت می‌دهد، اما در روز رجب فراموشی خود را دلیلی بر عدم شهادت بیان می‌کند و به نفرین امیرالمومنین علی (علیه السلام) ناپینا می‌شود.

در زمان عثمان

در زمان خلافت عثمان در مسجد نبی (صلی الله علیه و آله) گروهی جمع بودند و با یکدیگر از علم و عفت سخن می‌گفتند. در لابلای صحبت‌ها از قریش، فضایل و سوابق آن‌ها و هجرت‌شان سخن به میان آمد.

«سلیم بن قیس» می‌گوید: در این گفتگو حدود دویست نفر حضور داشتند که در میان‌شان چهره‌های شاخصی از مهاجرین همچون؛ علی بن ابی طالب (علیه السلام)، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف، طلحه، زبیر، مقداد، هاشم بن عتبّه، ابن عمر، حسن و حسین (علیهم السلام)، ابن عباس، محمد بن ابی بکر و عبدالله بن جعفر و از انصار افرادی سرشناس مانند؛ ابی بن کعب، زید بن ثابت، ابی ایوب انصاری، ابوالهیشم بن التیهان، محمد بن سلمه، قیس بن سعد بن عباد، جابر ابن عبدالله، انس بن مالک، زید بن ارقم، عبدالله بن ابی اوفی و ابی لیلی حضور داشتند. ابی لیلی با پسرش عبدالرحمن و ابوالحسن بصری و پسرش حسن بصری هم حضور داشتند.

بحث از بامداد تا هنگام ظهر طول کشید. عثمان در خانه بود و از اجتماع این گروه اطلاعی نداشت. علی (علیه السلام) و اهل بیتش نیز در آن میان سخنی نمی‌گفتند. آن گروه متوجه شدند و گفتند: یا ابالحسن چه مانعی هست که تو نیز سخن بگویی؟

فرمود: هر یک از افراد دو قبیله سخن گفتند و فضیلتی از خود بیان داشتند و درست هم گفتند، اکنون، من از شما ای گروه قریش و انصار سؤال می‌کنم؛ این فضیلت‌ها که به خود نسبت دادید، در وجود خود شما، قبیله و خاندان شما بوده یا موجهی جز این‌ها داشته؟

همه در پاسخ گفتند: عشیره و خاندان‌های ما منشاء هیچ یک از این فضایل نبوده‌اند، بلکه خدای بزرگ بر ما منت نهاد و این فضایل را به سبب محمد (صلی الله علیه و آله) و عشیره و اهل بیت او به ما عطا فرمود.

علی (علیه السلام) فرمود: راست گفتید، آیا نمی‌دانید که آنچه از خیر دنیا و آخرت نصیب شما گشته، فقط از ما اهل البیت است نه غیر ما؟...

پس از این سخنان، آن‌ها که سبقه و سابقه‌ای بیش‌تر داشتند و بدر احد را درک نموده بودند، گفتند: آری، ما این سخنان را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیده‌ایم.

